

الدرس السابع عشر

فردا = غداً

با من = معي

چایخانه = مقهى

به چایخانه = الى المقهى

تو می آیی = أنت تأتي

من می شناسم = أنا أعرف

کجاست = أين هو؟ أين هي؟

نزدیک خیابان = قرب الشارع

خیابان بهار = شارع بهار

فقط = فقط

چای = شاي

ما می خوریم = نحن نأكل

ما می نوشیم = نحن نشرب

غذا = طعام

دیزی چیست = ما هو الدیزی

غذای ایرانی = طعام ایرانی

گوشت = لحم

گوسفند = خروف

نخود = حمص

لوبيا = لوبيا

پياز = بصل

آنها مي پزند = هم يطبخون

آبگوشت = ماء لحم

خوشمزه = لذيذ

ساعت چند = في أي ساعة

ما مي رويم = نحن نذهب

ساعت ١٢ = الساعة الثانية عشرة

ميدان = ساحة

ميدان انقلاب = ساحة الثورة

منتظر = منتظر

منتظرت = بانتظارك

من منتظرت هستم = أنا بانتظارك

خوب است = جيد

من مي آيم = أنا آتي

والآن نستمع الي الحديث بين محمد وحמיד:

حمید: محمد! فردا با من به چایخانه می آیی؟

حمید: محمد! غذاً تأتی معی الی المقهی؟

محمد: چایخانه؟

محمد: المقهی؟

حمید: بله من یک چایخانه خوب می شناسم.

حمید: نعم. أنا أعرف مقهی جیدة.

محمد: کجاست؟

محمد: این هو؟

حمید: نزدیک است. در خیابان بهار است.

حمید: هو قریب. فی شارع بهار.

محمد: آنجا فقط چای می نوشیم؟

محمد: هناك نشرب الشای فقط؟

حمید: نه غذا هم دارد. "دیزی".

حمید: لا هناك طعام أيضاً. "الدیزی".

محمد: "دیزی" چیست؟

محمد: ما هو "الدیزی"؟

حمید: "دیزی" یک غذای ایرانی است. گوشت گوسفند را با لوبیا ونخود وپیاز می پزند. به آن آبگوشت هم می گویند.

حمید: "الدیزی" هو طعام ایرانی. يطبخون لحم الخروف مع اللوبیا والحمص والبصل. یسمونه "ماء لحم" أيضاً.

محمد: غذاهاي ايراني خوشمزه است.

محمد: الاطعمة الايرانية لذیذة.

حميد: بله. ديزي هم خوشمزه است.

حميد: نعم الديزي أيضاً لذیذ.

نستمع الي الحوار مرة اخري لكن بدون ترجمة:

حميد: محمد! فردا با من به چايخانه مي آيي؟

محمد: چايخانه؟

حميد: بله من يك چايخانه خوب مي شناسم.

محمد: كجاست؟

حميد: نزديك است. در خيابان بهار است.

محمد: آنجا فقط چاي مي نوشيم؟

حميد: نه غذا هم دارد. "ديزي".

محمد: "ديزي" چيست؟

حميد: "ديزي" يك غذاي ايراني است. گوشت گوسفند را با لوبيا ونخود وپياز مي پزند. به آن آبگوشت هم مي گویند.

محمد: غذاهاي ايراني خوشمزه است.

حميد: بله. ديزي هم خوشمزه است.

نستمع الآن الي تتمة الحوار بين محمد وحميد:

محمد: ساعت چند به چايخانه مي رويم؟

محمد: في أيّ ساعة نذهب الي المقهى؟

حميد: من ساعت ١٢ در ميدان انقلاب منتظرت هستم.

حميد: أنا في الساعة الثانية عشرة بانتظارك في ساحة الثورة.

محمد: خوب است، من هم ساعت ١٢ به ميدان انقلاب مي آيم.

محمد: طيب، أنا أيضاً في الساعة الثانية عشرة آتي الي ساحة الثورة.

نستمع الي الحوار مرة أخرى باللغة الفارسية فقط.

محمد: ساعت چند به چایخانه مي رويم؟

حميد: من ساعت ١٢ در ميدان انقلاب منتظرت هستم.

محمد: خوب است، من هم ساعت ١٢ به ميدان انقلاب مي آيم.